



انجمن علمی فخر جزای تطبیقی ایران

Journal of

# Comparative Criminal Jurisprudence

[www.jccj.ir](http://www.jccj.ir)



فصلنامه فخر جزای تطبیقی

Volume 3, Issue 4, 2023

## Situational Prevention by Designing the Urban Environment (with an Emphasis on the Security-Oriented Legal System)

Ali Faramarzi Babadi<sup>1</sup>, Mohammadreza Rahmat<sup>\*2</sup>

1. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, School of Theology and Islamic Studies, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding Author)

### ARTICLE INFORMATION

#### Type of Article:

Original Research

#### Pages: 41-53

#### Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4434-6954

TELL: +989124244752

Email: rahmat@meybod.ac.ir

#### Article history:

Received: 23 Jul 2023

Revised: 20 Nov 2023

Accepted: 02 Dec 2023

Published online: 22 Dec 2023

#### Keywords:

Situational Prevention, Urban Environment, Security.

### ABSTRACT

The present study deals with the approach of urban environment design as a solution for crime prevention. The present study is of an applied type and the method used is also descriptive-analytical, using documentary and library sources. Urban design is a social goal through the creation of defensible spaces and seeks to have the physical structure of urban areas in such a way that care and control of the levels of different urban areas and security around houses including streets, alleys, pedestrian surfaces, communication spaces a city with various uses. This preventive approach enables people to make optimal use of the spaces they have and to benefit from a healthy and valuable life. In this preventive procedure, although the lives of citizens are significantly monitored, we also need to use care tools to achieve security and a life free from criminals. Precedence of security over freedom by raising the costs of committing crime and reducing the attractiveness of crime is the connection point of the theory of situational prevention through the design of the urban environment and the security-oriented legal system.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

**How to Cite This Article:** Faramarzi Babadi, A & Rahmat, M (2023). "Situational Prevention by Designing the Urban Environment (with an Emphasis on the Security-Oriented Legal System)". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(3): 41-53.



انجمن علمی فقه جزای نظری ایران

# فصلنامه فقه جزای نظری

www.jccj.ir



فصلنامه فقه جزای نظری

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

## پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیط شهری (با تأکید بر نظام حقوقی امنیت‌مدار)

علی فرامرزی بابادی<sup>۱</sup>، محمدرضا رحمت<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مبید، دانشگاه آزاد اسلامی، مبید، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسؤول)

### چکیده

پژوهش حاضر به رویکرد طراحی محیط شهری به عنوان راهکاری برای پیشگیری از جرم می‌پردازد. مطالعه حاضر از نوع کاربردی و روش مورد استفاده نیز توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع استنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. طراحی شهری از طریق ایجاد فضاهای قابل دفاع هدفی اجتماعی بوده و به دنبال این است که ساختار کالبدی مناطق شهری به‌گونه‌ای باشد که مراقبت و کنترل سطوح مناطق مختلف شهری و امنیت اطراف خانه‌ها شامل خیابان‌ها، کوچه‌ها، سطوح عابر پیاده، فضاهای ارتباطی شهری با کاربردهای گوناگون انجام پذیرد. این رویکرد پیشگیرانه مردم را قادر سازد از فضاهایی که در اختیار دارند، استفاده مطلوب کنند و از زندگی سالم و بار ارزشی بهره‌مند شوند. در این رویه پیشگیرانه، هرچند زندگی شهروندان نیز به طور قابل توجهی تحت ناظارت قرار می‌گیرد، اما برای نیل به امنیت و زندگی عاری از مجرمان، نیازمند استفاده از ابزارهای مراقبتی نیز هستیم. تقدیم امنیت بر آزادی از طریق بالا بردن هزینه‌های ارتکاب جرم و کاهش جذابیت جرم، نقطه پیوند نظریه پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیط شهری و نظام حقوقی امنیت‌مدار است.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۳-۴۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارجید: ۶۹۵۴-۳۴۴۳۴-۳۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۴۲۴۷۵۲

ایمیل: rahmat@meybod.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

وازگان کلیدی:

پیشگیری وضعی، محیط شهری، امنیت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

چالش‌ها و پیامدهای پیشگیری وضعی از جرم از طریق طراحی محیطی با نگرشی بر نظام حقوقی امنیت‌مدار بپردازیم. بهبیان دیگر، با توجه به تمایل ذاتی نظام حقوقی مبتنی بر امنیت‌مداری نسبت به نقض حقوق شهروندان و تحدید آزادی‌های اشخاص، در نوشتار حاضر، در مقام پرداختن به این مسأله اصلی هستیم که چگونه رویکردهای پیشگیرانه مبتنی بر طراحی محیطی به سوی نظام حقوقی و سیاست جنایی امنیت‌مداری سوق پیدا می‌کند.

باتوجه به ضرورت جرم‌زدایی در جامعه، نقش مهم و کم‌هزینه پیشگیری نسبت به سایر روش‌ها و همچنین با در نظرداشتن روش‌های مشارکتی برای دخالت شهروندان در تأمین امنیت خود و دیگران، پژوهش حاضر به دنبال آن است تا پیشگیری وضعی را از طریق طراحی محیط شهری مورد توجه قرار دهد. این بررسی با تأکید بر نگرش نظام حقوقی امنیت‌مدار نیز دنبال می‌شود و هدف آن است که بتوان ابعاد نظریه پیشگیری وضعی را از طریق طراحی شهری تبیین نمود.

سؤال ما در این نوشتار این است که رویکردهای پیشگیرانه مبتنی بر طراحی محیطی، در ارتباط با نظام حقوقی و سیاست جنایی امنیت‌مداری چگونه است؟ فرضیه نیز از این قرار است که اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه مبتنی بر طراحی محیطی، الزاماً به معنای سوقداده‌شدن نظام حقوقی و سیاست جنایی به سمت و سوی امنیت‌مداری نیست، هرچند که می‌تواند تسهیل‌کننده آن باشد.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به موارد ذیل اشاره کنیم: کتاب «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» نوشته محمدنسل (۱۳۹۳)، مهمترین اثر داخلی است که به طور مشخص به بحث پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی توجه نشان داده است. در این کتاب، نظریات مرتبط با دیدگاه‌های محیطی در پیشگیری از جرم مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین نویسنده نتیجه می‌گیرد که هرچند در قوانین داخلی، رویکرد خاصی در این زمینه دیده نشده است، اما اعمال برخی تغییرات در قوانین می‌تواند با تغییر محیط، کاهش جرایم را به دنبال داشته باشد. در مقاله «بررسی شاخص‌های طراحی محیطی در پیشگیری از جرم در

پیشگیری وضعی شکل خاصی از روش مقابله با جرایم است که به جای توجه به رفتارهای مجرمان، تنبیه و سرکوب مجرمان و یا اتخاذ قوانین سختگیرانه در صدد اعمال تغییرات در محیط زندگی افراد، از جمله محیط‌های جرم‌خیز و ایجاد ممانعت برای گرایش مجرمان به اعمال مجرمانه بر می‌آید. از این جهت پیشگیری وضعی به دنبال آن است تا با اعمال روش‌های خاصی، محاسبه عقلانی مرتكب را به نفع عدم ارتکاب به هم بربزد و با بالابردن هزینه‌های انجام جرم، وی را از انجام عمل بزه کارانه بازدارد (صفاری و صابری، ۱۳۹۳: ۱۵۷). بنابراین طرفداران این دیدگاه بر این باور هستند که انجام تغییرات، ایجاد محدودیت از طریق دستکاری در محیط، محل زندگی، معابر شهری، محله‌های سکونت زندگی و رفت و آمد، می‌توان امنیت بیشتری ایجاد نمود و زمینه مناسب‌تری برای پیشگیری از جرایم فراهم می‌گردد. در دیدگاهی که بر طراحی محیط شهری به عنوان عاملی برای افزایش و یا کاهش جرم می‌نگرد، این ایده مطرح است که قوانین ساخت و سازهای شهری، متغير مهمی در ارتباط با جرایم شهری محسوب می‌شوند، به نحوی که برای پی‌بردن به این موضوع که چرا در منطقه «الف»، جرم و بزه کاری شدت بیشتری گرفته است، نیازمند بررسی محیط شهری و ساخت و سازهای آن هستیم.

در اصل این موضوع که پیشگیری وضعی و تا حدی پیشگیری مبتنی بر طراحی محیطی، ممکن است منجر به اتخاذ رویکردهای امنیت‌مدار گردد، تردیدی نمی‌توان داشت، علی‌الخصوص این که امروزه هدف این نوع رویکردهای پیشگیرانه علی‌الخصوص پیشگیری از طریق طراحی محیطی، صرفاً منحصر به پیشگیری از جرائمی چون سرقت، دیوارنویسی و تخریب نیست، بلکه کاهش فرصت ارتکاب هرگونه جرم اعم از هواپیماربایی، کلاهبرداری، تماس تلفنی شرم‌آور، خشونت در محیط‌های عمومی و یا خانوادگی و ... را مدنظر دارد. بنابراین بایستی به ضابطه‌مندشدن روش‌های آن پرداخت تا از رهگذر اجرای آن‌ها، کمترین میزان تحدید در حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان به وجود آید. باتوجه به مجموع آنچه گفته شد، بر آن هستیم به بررسی وضعیت،

در بررسی‌های مربوط به پیشگیری جرم، عوامل گوناگون محیطی و زیستی نیز نقش دارند. به طور مثال، سُرب موجود در محیط، می‌تواند در تماس با مغز انسان و به طور خاص کودکان، موجب تشدید تمایل به ارتکاب جرم و بزهکاری شود. همچنین کاهش فرصت‌های محیطی نیز در این رابطه مؤثرند (کلارک، ۱۳۸۷: ۳۴۵). درخصوص مبانی نظری پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، سه دیدگاه جداگانه وجود دارد: اولین نظریه، منسوب به پیروان جفری بهخصوص تیم «کرو» است. آن‌ها به منظور کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم در محیط‌های مسکونی شهری، پیشنهادات مؤثر و روشنی را به پلیس، طراحان شهری و همچنین معماران در ایالات متحده آمریکا ارائه کردند که بعداً به نام اختصارش، یعنی پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) معروف شد؛ دومین نظریه، نظریه فضاهای قابل دفاع است. این نظریه توسط معماری به نام «اسکار نیومن» در سال ۱۹۷۲ مطرح شد (رحمت، ۱۳۸۶: ۷۸). وی در کتابی که در همین زمینه منتشر کرد، از شکل مجتمع‌های مسکونی در آمریکا به شدت انتقاد کرد. میزان بالای جرم در فضاهای عمومی مربوط به مجتمع‌های مسکونی (به علت فرم و طراحی نامناسب آن‌ها)، همچنین رشد چشم‌گیر ابوبهسازی مسکن، بدون توجه به مسئله تعاملات انسانی و روابط همسایگی در طراحی و معماری این گونه از مسکن، از مسائل مورد تأکید نیومن است؛ نظریه سوم، مربوط به پیشگیری وضعی جرم از طریق طراحی محیطی است که توسط بخش تحقیقات جرم‌شناسی دولت بریتانیا در اواسط دهه ۱۹۷۰ ارائه گردید. این نظریه، برخلاف دو مورد قبلی، در نگاه اول به معماری فضاهای ساخته شده نمی‌پردازد، همچنین به حملات تهاجمی به منظور سرقت توجهی ندارد، بلکه می‌توان ادعا کرد این نظریه، یک دیدگاه کلی به منظور کاهش فرصت ارتکاب هرگونه جرم اعم از هوایپماریابی، کلاهبرداری، تماس تلفنی شرم‌آور، خشونت در محیط‌های عمومی و یا خانوادگی و ... ارائه شده است (رحمت، ۱۳۸۶: ۳۴۶). به طور کلی به منظور حصول کارآبی در پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، استانداردها و شاخص‌های مهمی باید مورد نظر واقع گردد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اندازه و فرم فضا،

مجتمع‌های تجاری شهر یزد» انجام گرفت، بدین نتیجه رسیدند که مجتمع‌های تجاری شهر یزد از حیث شاخص‌های امنیتی در وضع مطلوبی نیستند و طراحی محیطی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت آنان ایجاد نماید. همچنین در مقاله «استخراج راهبردهای محیطی مؤثر در پیشگیری از جرایم براساس نظریه (CPTED) مطالعه موردنی مجتمع‌های مسکونی شهر رشت» که توسط حسینی دیوشلی و کریمی آذربایجان شده، بر نقش عوامل محیطی در پیشگیری از جرم توجه نشان داده شد و نویسنده‌گان نتیجه گرفتند که کنترل ورودی و خروجی‌ها و کنترل دسترسی نقش مهمی در پیشگیری از جرایم در مجتمع‌های مسکونی دارد. مقاله ویسی و فرهمند (۱۳۹۷)، با عنوان «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم» نیز چنین مطرح می‌کنند که طراحی کافی و درخور و سازگار با محیط زندگی، می‌تواند با استفاده مطلوب و مناسب از فضای زندگی مسکونی صورت گیرد. در این صورت، امکان دسترسی مجرمان به شرایط مناسب برای انجام اعمال بزهکارانه نیز سلب می‌گردد.

وجه‌تمایز پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها که درواقع همان وجه نوآورانه آن می‌باشد. در وهله نخست، تبیین وجود یا عدم وجود ملازمه بین اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه مبتنی بر طراحی محیطی با امنیت‌مداری در نظام سیاست جنایی و در گام بعدی، تبیین و ارزیابی مختصات مختصات راهبردهای پیشگیرانه مبتنی بر طراحی محیطی سیاست جنایی مبتنی بر امنیت‌مداری و درنهایت، تحلیل چالش‌ها و پیامدهای مترتب بر آن و ارائه راهکارهای تعديل‌کننده خواهد بود.

## ۱- شرح چارچوب نظری تحقیق

از حیث جرم‌شناسخانه اصطلاح «پیشگیری محیطی» یا «پیشگیری مبتنی بر طراحی محیطی» اولین بار توسط جرم‌شناسی به نام «سی. رو جفری» وضع گردید. وی این مسئله را در کتابی که در سال ۱۹۷۱ منتشر کرد، مورد بحث و بررسی قرار داد. وی معتقد بود که جامعه‌شناسان درباره دلایل اجتماعی جرم، از جمله فقر نسبی و اثرات خردمندگی، مبالغه زیادی کرده‌اند و به سایر عوامل تعیین‌کننده، مانند عوامل محیطی مؤثر در وقوع جرم، توجهی ندارند، درحالی که

و محاسبه سود و زیان صورت می‌گیرد، اثر بگذارد و از فعلیت یافتن عمل مجرمانه پیشگیری نماید (صفاری و صابری، ۱۳۹۳: ۱۵۵). برای نیل به این مقصود، پیشگیری وضعی، نظارت‌ها را به سطح جامعه و زندگی شهروندان می‌کشاند و با دشوارساختن ارتکاب جرم از سوی مجرمین و اتخاذ روش‌هایی که ممکن است این تصور را در ذهن مجرم ایجاد نماید که انجام عمل بزه کارانه، منجر به شناسایی و دستگیری وی می‌شود، راه را بر مجرمان و بزه کاران می‌بندد. به عبارت ساده‌تر، پیشگیری وضعی به دنبال ایجاد شرایط برای افزایش خطر دستگیری مجرمان است (میرجبی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۸)، بدین ترتیب در پیشگیری وضعی، تغییر شرایط، اوضاع و احوال زندگی اجتماعی و همچنین بهره‌گیری از اصول ساخت و ساز شهری و نظارت‌های مکانیکی، بر روانکاوی مجرمان و علل و انگیزه‌های شخصی آنان در بروز جرایم مقدم دانسته می‌شود، به علاوه این که در پیشگیری وضعی، شرایط بیرونی ارتکاب جرم به قدری دشوار و ناممکن می‌شود که مجرم تمایلی به انجام عمل مجرمانه ندارد و یا همواره خطر شناسایی و دستگیری را در کنار خود می‌بیند. پیش‌فرضی که در این رویکرد مطرح است، این که با جاذبه‌زدایی از جرم و دشوارساختن مسیر انجام اعمال مجرمانه، مجرم در تصمیم خود تجدیدنظر کرده و از انجام آن صرف نظر می‌کند، زیرا در نظریه پیشگیری وضعی، مجرم نیز فردی عاقل و انتخابگر در نظر گرفته می‌شود که ارتکاب عمل مجرمانه، نتیجه انتخاب عقلانی آن‌ها در موقعیت‌های مختلف است (صوفی زمرد، ۱۳۹۰: ۴۴). بنابراین محاسبه سود و زیان ناشی از عمل مجرمانه بسیار حائز اهمیت است. وظیفه قانون‌گذار آن است که با کاربست سازوکارهایی برای افزایش خطر دستگیری، محیط محل وقوع جرم را به نحوی سامان‌دهی کنند که مرتكب، پشیمان شود و از انجام عمل مجرمانه دست بکشد.

در نظریه پیشگیری وضعی، سازوکارهای کاهش و حذف موقعیت‌ها، از بین شرایط و بستر وقوع جرم و همچنین افزایش خطرات ناشی از ارتکاب جرم بسیار حائز اهمیت است، بدین معنا که قانون‌گذار با وضع تدبیری، هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد و سود ناشی از انجام عمل

آسایش بصری و محیطی، سازمان فضایی و نفوذپذیری (دسترسی) و کیفیت مسکن و کاربری زمین اشاره نمود (قائد رحمتی و شمسی، ۱۳۹۲: ۶۶). شکی وجود ندارد که پیاده‌کردن برنامه‌های طراحی محیطی در گرو شناخت دقیق، همه‌جانبه و توأم با اهتمام کارگزاران نظام عدالت کیفری از یکسو و همکاری صاحبان منازل، معماران و مهندسان از سوی دیگر و همچنین تعامل آن‌ها با هم می‌باشد. فارغ از مباحث مرتبه با پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی که شرح آن‌ها گذشت، بایستی توجه داشت که امروزه ظهور مقوله‌های امنیت‌مدار و تشکیل نوع نگاه متفاوت به چرخه جنایی، گفتمان نوینی تحت عنوان امنیت‌گرایی و در یک معنای کلی‌تر، دانشی جدید به نام امنیت‌شناسی را ایجاد کرده و پرداختن حداکثری به مفاهیم بنیادین امنیت و تأمین آسایش و آرامش روانی شهروندان را به دنبال داشته است. امنیت‌مداری، تعبیری دوپهلوست که بر دست‌اندازی دولت نسبت به همه امور، به گونه‌ای که فراتر از چشم شهروندان باشد، تأکید می‌کند؛ به بیان دیگر، امنیت‌مداری، برداشتی یک‌جانبه و حاکمیتی از مفهوم امنیت و نادیده‌انگاشتن حقوق و آزادی‌های فردی به بیانه برقراری امنیت است. نظام حقوقی امنیت‌مدار، از طریق تصویب قوانین سختگیرانه، کاهش تضمین‌های دادرسی و اعطای گسترش اقتدار و اختیار به مقامات اجرایی، امنیت را در تقابل با آزادی قرار داده و جامعه را به سمت پلیسی‌شدن سوق می‌دهد. به طور کلی، عقیده عمومی بر این است که رویکردهای پیشگیرانه همچون پیشگیری وضعی به طور عام و پیشگیری از طریق طراحی محیطی به طور خاص، آزادی‌های فردی را (از طریق تحدید فضاهای عمومی و محیط‌های مورد نظر، با حضور عوامل و نهادهای دولتی و خصوصی متولی و متخصص تأمین امنیت و ...) محدود کرده (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰: ۱۶۲) و مسیر امنیت‌گرایی در سیاست جنایی را هموار می‌نمایند.

## ۲- پیشگیری وضعی از جرم

پیشگیری وضعی در واقع قبل از فعلیت یافتن جرم انجام می‌شود و عملی پیشگیرانه است. تمرکز عمدۀ این نظریه بر انجام اقدامات پیشگیرانه نسبت به خطرات آینده است تا از این طریق بتواند بر تصمیم‌گیری بزه کار که براساس عقلانیت

از ارتکاب جرم را بالا ببرند و هم این که فرایند شناسایی مجرمان را به سهوالت انجام دهند. همچنانکه هدف اصلی در این دو دیدگاه بر پیشگیری است و تلاش می‌کنند تا با بالابردن هزینه‌های ناشی از انجام عمل مجرمانه و همچنین جاذبه‌زدایی از آن، مسیر انجام عمل مجرمانه را به صورت خودکار از بین ببرند و یا کاهش دهند. این رویکرد در طراحی معابر عمومی شهرها، محله‌های مسکونی، پارک‌ها، مکان‌های عمومی نظیر مجتمع‌های رفاهی و تجاری کاربرد دارد.

رویه پیشگیری وضعی از جرم و طراحی محیط شهری، هرچند در وهله اول، نوعی ناظارت شدید بر زندگی شهروندان و نادیده‌گرفتن حریم خصوصی را به اذهان متبار می‌سازد، اما در رویکرد حقوقی امنیت‌مدار، با تأکید بر این که آزادی‌های دموکراتیک و توسعه فناوری در هم آمیخته شده است، استفاده از فناوری‌های مکانیکی در محیط‌های شهری، نوعی مصونیت‌بخشی برای شهروندان تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، در نظریه حقوقی امنیت‌مدار این‌گونه استدلال می‌شود که مردم برای امنیت بیشتر و مصون‌ماندن از اعمال مجرمانه، برخی نامالایمات در زمینه‌های خاصی را می‌پذیرند (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰: ۱۶۵). در این‌باره استدلال می‌شود که برقراری امنیت در مکان‌های عمومی نظیر پارک‌ها، ورزشگاه‌های محل برگزاری مسابقات ورزشی و هنری، معابر عمومی، پارک‌ها، فروندگاه‌ها و مجتمع‌های تجاری و تفریحی، هرچند با تعییه دوربین، ناظارت بر همه نقاط آن مکان و نادیده‌گرفتن حریم خصوصی شهروندان همراه است، اما درنهایت امنیت را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد، ضمن این که اعمالی که برای پیشگیری از جرم مطرح می‌شود و در زمینه طراحی محیط شهری می‌باشد به کار گرفته شوند، نقش پیشگیرانه دارند و هزینه‌های دولت و نظام حقوقی را نیز در امر دادرسی کاهش می‌دهند. مجرمان قبیل از این که عمل مجرمانه را انجام دهند، خطرات ناشی از آن، از جمله شناسایی، بدنامشدن، جریمه و مجازات را نیز مشاهده می‌کنند و از ارتکاب عمل مجرمانه صرف‌نظر می‌کنند. به طور خلاصه باید گفت که در این نظریات، مجموعه قواعد کلی برای بهبود ناظارت در محدوده محل سکونت وجود دارد که می‌تواند در مقابله بازه‌کاری کمک کند (کین هون، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

مجرمانه را نیز کاهش می‌دهد (Clarke, 1995: 91). بنابراین در پیشگیری وضعی چنین در نظر گرفته می‌شود که مجرمان، موجوداتی عاقل، انتخابگر هستند که محاسبه سود و زیان را مبنای اعمال خود قرار می‌دهند.

نظریه انتخاب منطقی که خالق آن کلارک است، بر این باور است که مجرمان تصمیم‌گیرندگان منطقی‌اند که با انجام‌دادن جرم سعی در سودرسانی به خود و دفع ضرر می‌باشند. کلارک به همراه گرینش مبتکر نظریه منطقی در جرم‌شناسی هستند، گرینش معقول یکی از رکن‌های مهم پیشگیری وضعی است. با در نظر گرفتن استثنایات بسیار اندک جرم به شکل اتفاقی رخ نمی‌دهد، زیرا بزه کاران آماجی را به آماج دیگر ترجیح می‌دهند. آنان دست به یک گرینش معقول می‌زنند و تصمیم به ارتکاب جرم بر پایه یک ارزیابی مبتنی است، بدین ترتیب جرایم، تابعی از فرصت مناسب و تلاش برای به دست آوردن سود مادی بیشتر همراه با خطر کمتر هستند (Clarke & Cornish, 1985: 456) که بزه کار از رهگذر آن به هزینه‌ها (از جمله تلاش شخصی منافع و خطرها) توجه می‌کند. ازین‌رو تدبیرهایی برای افزایش خطر و تلاش بزه کار و کاهش پاداش احتمالی سودمندند، در ارزیابی هزینه‌ها و منافع اشخاص به خطر دستگیری بیشتر از شدت مجازات توجه دارند. تأثیر گذاشتن بر عوامل وضعی ارتکاب جرم آسان‌تر از مبارزه با ضعف‌های بشری است. پیشگیری وضعی از جرم با آگاهی به این موضوع سعی در کاهش فرصت‌های جرم دارد.

### ۳- پیشگیری از جرم در بستر امنیت‌مداری

از منظر علمی و تجربی جرم‌شناسی می‌توان تیجه گرفت که اغلب جرایم در خفا صورت می‌گیرند (اشنایدر و کچین، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۹). بنابراین برای مبارزه با جرایم و کاهش آنان، نیازمند ارائه راهکارهایی هستیم که بتوان محدودیت‌هایی را وضع نمود که شرایط را برای عموم شهروندان شفاف و آشکار سازد و از طرف دیگر، بسترها جرم را نیز برای مجرمان از بین ببرد. تأکید بر اصلاح و تغییر محیط زندگی وجه مشترک دیدگاه‌های پیشگیری وضعی و نظریه طراحی محیط شهری را تشکیل می‌دهند که به دنبال ناظارت مکانیکی و حتی انسانی بر محیط زندگی هستند تا هم بتوانند هزینه‌های ناشی

ایده طراحی محیط شهری برای کاهش و از بین بردن فرصت برای اعمال مجرمانه، درواقع ناظر بر نقش و اهمیت کالبدی شهر در کاهش جرایم اجتماعی است که ارتباط وثیقی با اصول شهرسازی، طراحی خیابان، نورپردازی در شهرها و ... دارد. بنابراین افزایش جرم و جنایت تحت تأثیر عامل دیگری، از جمله محیط فیزیکی و اجتماعی قرار دارد. به همین دلیل، اهمیت برنامه‌ریزی، طراحی مدیریت شهری مورد توجه این دیدگاه است (خلفت‌دوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۰). اهمیت مکان و محیط زندگی، تا جایی است که می‌تواند باعث جلوگیری از ارتکاب جرم و یا عاملی برای گرایش به آن باشد. بنابراین هم نقش حمایتی و گرایش به اعمال مجرمانه و هم نقش بازدارنده و پیشگیرانه محیط شهری و ارتباطی که با افزایش و کاهش جرایم اجتماعی دارند، محور نظریه طراحی محیط شهری را تشکیل می‌دهند. بهیان دیگر، ظرفیت بالقوه فضاهای شهری و کالبد محیط، نقش قابل توجهی در کاهش و جلوگیری از جرایم دارند (پاک‌تراد، ۱۳۹۳: ۵۹). بر همین اساس، نظریات منبعث از نظریه محیط شهری به‌دلیل آن هستند تا با طراحی محیط شهری و ایجاد فضایی برای دشوارساختن محیط زندگی برای مجرمان و بزه‌کاران، محدودیت‌های واقعی ایجاد نمایند.

### ۵- پیشگیری وضعی در محیط شهری

پیشگیری وضعی در طراحی محیط شهری با هدف پیشگیری از جرم، نیازمند شناسایی نقاط مختلف شهرها و تلاش برای نظارت و کنترل آن‌ها می‌باشد، بدین‌معنا که مکان‌های عمومی و قابل استفاده برای عموم مردم شناسایی شده و ابزارهای نظارتی اعم از مکانیکی و غیرمکانیکی در آن محل‌ها به کار گرفته می‌شود، هرچند شهرها بر حسب شرایط و موقعیتی که دارند، ابعاد خاص خود را دارا هستند، اما خیابان‌ها، مکان‌های عمومی و همگانی و همچنین محله‌های سکونت افراد، بخش جدایی‌نپذیری از ساختار شهری را تشکیل می‌دهند که به تشریح پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیط شهری در این بخش‌ها پرداخته می‌شود.

### ۴- طراحی محیط شهری و پیشگیری از جرایم

پیشگیری جرم بر مبنای طراحی محیطی و جلوگیری از اعمال بزه‌کارانه و مجرمانه، اولین بار در سال ۱۹۶۹، توسط جفری مطرح شد. بر مبنای نظریه جفری، جامعه‌شناسان و کیفرشناسان به شکل افراطی و غواصیزی بر تأثیرات فرهنگی، خانواده، محرومیت و اصلاح مجرمان توجه نشان دادند و از عوامل محیطی غفلت کردند. در مقابل، جفری بر مواردی تأکید می‌کرد که به عنوان فرصتی برای مجرمین محسوب شده و باعث انجام اعمال مجرمانه از سوی آنان می‌شود. به عبارت دیگر، جرایم گوناگون به‌دلیل فرصت‌های محیطی رخ می‌دهند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۵). در این نظریه، پیش‌فرض این است که مجرمان، موجوداتی عقلانی و گریشگر هستند و با محاسبه سود و زیان ناشی از عمل مجرمانه، اقدام به انجام آن می‌نمایند.

نظریه طراحی محیطی بر این باور است که با طراحی مطلوب و مناسب از محیط می‌توان از ارتکاب به عمل مجرمانه پیشگیری نمود. به عبارت دیگر، در نظریه طراحی محیطی، علاوه‌بر این که مانعی برای عمل مجرمانه ایجاد می‌شود، به‌دلیل بهبود کیفیت محیط زندگی نیز هست (محمدنسل، ۱۳۹۳: ۱۹). از این منظر، بیش از آنکه به‌دلیل روش‌هایی برای سرکوب مجرمان، اتخاذ قوانین سختگیرانه و یا بازاصلاح‌پذیری آنان متمرکز شویم، می‌بایست به‌دلیل اصلاح محیط زندگی افراد با هدف بالا بردن هزینه‌های اعمال مجرمانه متمرکز باشیم، به این دلیل که جرم به‌دلیل شرایط و بستر لازم برای عمل مجرمانه رخ می‌دهد و نیازمند تغییر محیط برای منصرف کردن مجرمان از عمل مجرمانه هستیم، بدین ترتیب راه حل اساسی برای پیشگیری از وقوع جرم، کم کردن فرصت‌های مجرمانه است (ویسی و فرهمند، ۱۳۹۷: ۸۹). بنابراین جرایم که ناشی از فرصت‌های موجود در محیط هستند، نیازمند پیشگیری از طریق تغییر در محیط هستند، ضمن این که طراحی محیطی از ابتدای ایجاد محیط فیزیکی و یا انجام تغییرات در آن می‌بایست به نحوی باشد که هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم را افزایش دهد. پس باید به فکر تغییر محیط باشیم و نه به فکر اصلاح مجرم و یا اتخاذ روش درمان برای آن.

جرائم شود (کلارک، ۱۳۸۷: ۱۹۹). راهکار دیگر، حذف و یا بستن برخی مسیرهای عبور است که هیچ نقطه روشنی ندارند و برحسب تجربه نیز در زمرة مناطق جرم خیز بهشمار می‌آیند، به این دلیل که اگر راهها از مکان‌های متوجه و خالی از سکنه عبور نمایند، مجرمان از این مسیرها برای تسهیل جرم و فرار احتمالی بهره می‌برند و این عاملی برای افزایش جرائم است.

**۵-۲- نورپردازی شهری و پیشگیری از جرم**  
 یکی دیگر از عوامل مؤثر در طراحی شهری، نورپردازی است. نورپردازی متناسب با وضعیت مکانی می‌بایست به نحوی باشد که ایجاد سایه نکند، زیرا این امر باعث عدم شناسایی غریب‌های و رفتارهای آنان در موقع تاریکی می‌شود. علاوه‌بر این، چنین نقاط کوری برای مجرمان می‌تواند نقش اختفاء را نیز ایجاد نماید (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸۴: ۳۹). بنابراین طراحی محیط می‌بایست به نحوی باشد که بتواند باعث کاهش استرس افراد جامعه و بهبود کیفیت زندگی آنان منجر شود (جیسون و ولیسون، ۱۳۸۷: ۴۸). در این رویکرد، طراحی شهری باعث جلوگیری از جرایم می‌شود و در طراحی محله‌ها می‌بایست نسبت به این موضوع توجه خاصی نشان داد. اثرات رفتاری می‌تواند ترس و وحشت از جرم را کاهش دهد و سطح کیفیت زندگی را بالا ببرد. به‌طور مشخص درباره طراحی شهری مبتنی بر روشانی، می‌توان گفت که روشانی بیشتر و کافی در شهر باعث احساس امنیت بیشتر می‌شود و مردم را به حضور بیشتر در محیط تشویق می‌کند. در سوی مقابل، بعد از تاریکی هوا، فرصت نظارت کمتر می‌شود و امکان وقوع جرم بدليل دیده‌نشدن از سوی مجرمان نیز بیشتر می‌شود (Brantingham & Brantingham, 1975: 13)، بدین ترتیب روشانی به عنوان گونه‌ای از نظارت مکانیکی می‌تواند با ایجاد فضای امن بهبود فرصت نظارت و افزایش کنترل اجتماعی غیررسمی این تصور را در ذهن مجرمان ایجاد کند که ارتکاب جرم در فضا دیده خواهد شد. درنتیجه روشانی می‌تواند با برهم‌زدن معادلات سود و زیان مجرم از ارتکاب جرائم جلوگیری کند. علاوه‌بر این محیط ایمن، باعث آزادی حرکت شهروندان و تعامل راحت آنان با یکدیگر می‌شود و هم به صورت عینی و هم به صورت درک و

**۵-۳- خیابان‌های شهری و پیشگیری وضعی**  
 از جمله عوامل مورد تأکید در نظام حقوقی امنیت‌مدار، تلاش برای برقراری نظم و امنیت در جامعه از طریق اجرای برنامه‌ها و تدبیر سختگیرانه است که حتی می‌تواند در تعارض با آزادی شهروندان و نظارت هرچه بیشتر بر آنان تلقی شود. بنابراین مداخله دولت‌ها در نظام حقوقی امنیت‌مدار برجسته است (توجهی و برجی اردستانی، ۱۳۹۱: ۶۷)، بدین معنا برقراری امنیت حتی در برخی از مواقع ممکن است آزادی شهروندان را نیز تحت تأثیر قرار دهد، اما بی‌توجهی به سازوکارهای برقراری امنیت بهنوبه خود ازین‌برنده آزادی و امنیت است.

یکی از عوامل اصلی و مرتبط با پیشگیری وضعی در طراحی محیط شهری، خیابان‌های هر شهر هستند. استدلال مطرح شده این است که ایجاد خیابان‌هایی که از نظر فیزیکی و روانی باعث مانع ورود بیگانگان به آن محیط شود و راههای فرار را از میان بردارد، نقش مهمی در کاهش جرم ایفا می‌کند، زیرا در طراحی شهری و ارتباط آن با بروز جرایم، این مسئله حائز اهمیت است که فضاهای غیرقابل دفاع و تعریف شده، نوعی احساس آزاررسانی پدید می‌آورد که می‌تواند مشوق بروز جرایم نیز باشد (بحرینی و گلناز، ۱۳۷۷: ۲۷). بنابراین در محیط‌هایی که شیوه خاصی از زندگی جریان دارد و جرم و جنایت در آن محیط‌ها، محتمل‌تر است، ساکنان و یا افرادی که وارد آن محیط‌ها می‌شوند، تمایل بیشتر و یا امکانات بیشتری برای گرایش به بزه‌کاری دارند. ایده پیشگیری وضعی در طراحی محیطی مبتنی بر دشوارسازی و بالابردن هزینه ارتکاب جرم در خیابان‌ها و معابر شهری است.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیشگیری وضعی از جرم در نظریه طراحی محیطی، نصب دوربین‌های مداربسته در خیابان‌های شهری است. بنابراین هنگامی که بزه‌کاران با مشاهده دوربین‌ها از انجام عمل مجرمانه بازداشته می‌شوند، نشانگر تأثیر این رویه بر کاهش فرسته‌های مجرمانه در محیط است، زیرا مجرمان در این شرایط، احساس خطر بازداشت‌کردن می‌کنند و به‌دلیل فرار از شدت مجازات هستند. بنابراین دوربین‌مداربسته می‌تواند باعث پیشگیری از

بنا شده است. ریشه این رویکرد، جغرافیایی است، بدین معنا که شیوه زندگی برخی محله‌ها را نوعی چالش اخلاقی با سایر طبقات جامعه می‌دانند که اغلب بزه‌کاری‌های اجتماعی در آن مناطق رخ می‌دهد و این‌ها همان طبقات فروdest درستند (والک لیت، ۱۳۸۶: ۹)، به علاوه این‌که اکثریت اعضای جامعه، این طبقه را در حقیقت جزء اعضای جامعه به‌شمار نمی‌آورند و آن‌ها را به شکل دیگرانی می‌بینند که وجودشان خطر بزرگی در امنیت و توسعه جامعه محسوب می‌شود. بنابراین کاربست ابزارهای نظارتی و پیشگیرانه، از جمله استفاده از وسایل مکانیکی نسبت به عدم وقوع جرایم اقدام نمود.

برمبانی این مؤلفه، ریشه جرایم و بزه‌کاری‌های اجتماعی را باید در خانه‌های مسکونی نامناسب جستجو کرد. بنابراین خانه‌های مسکونی که در محله‌های نامناسب بنا شده است، نقش مهمی در بزه‌کاری اجتماعی ایفا می‌کنند. همچنانکه بیشترین آمار مربوط به بزه‌کاران در مناطق پست می‌باشد (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۹۷). بنابراین راه حل اساسی برای مبارزه با بزه‌کاری و جرایم آن است که نسبت به اصلاح محیط‌های مسکونی اقدام گردد. به این دلیل که اعضای این طبقه، توان تطبیق خود با هنجارهای جامعه را ندارند، همیشه در حاشیه و انزواج اجتماعی هستند و نمی‌توانند با سایر اعضای جامعه متحد شوند، فرهنگ خشونت در میان آن‌ها ریشه دوانده و حتی توانایی برقراری نظم در میان خود را ندارند، آن‌ها نمی‌توانند هیچ‌گاه شغل دائمی، ولو به عنوان یک نیروی کار ذخیره داشته باشند (Irwin, 1985: 9). مهم‌تر این‌که، جرایم و بزه‌کاری اجتماعی در میان این طبقات به شدت رواج دارد و اغلب جرایم در این مناطق فقیرنشین به وقوع می‌پیوندد. برای مبارزه با جرایم اجتماعی، می‌بایست توجه خاصی نسبت به اصلاح این مناطق ابراز داشت و با به کارگیری روش‌های مختلف، مانند نصب دوربین، شفاف‌ساختن محلات از طریق نورپردازی و شناسایی این مناطق، از بروز سایر جرایم پیشگیری نمود. ارتباط این مؤلفه با نظام حقوقی امنیت‌مدار آن است که حکومت‌های امنیت‌مدار از طریق ایجاد و اجرای این نیم‌رخ‌ها، دوربین‌های امنیتی و نظارتی خود را در اماكن عمومی، فروگاه‌ها، خیابان‌ها، جاده‌ها و ... قرار داده و به

احساس امنیت، به بهبود زندگی فردی و اجتماعی کمک می‌نماید. خطر و ترس، معمولاً باعث محدودیت حرکت ما در شهر می‌شوند و باعث کاهش کیفیت زندگی ما می‌شوند (محمدنسل، ۱۳۹۳: ۲۳). در این صورت، به جای این‌که پلیس و یا نهادهای قضایی، در صدد تأمین امنیت برپایی‌ند، چشم‌های شهروندان و بالا بردن خطر ارتکاب جرم از سوی مجرمین باعث پیشگیری از وقوع جرم می‌شود.

پیشگیری از جرم با ایجاد روشنایی و تلاش برای هرچه بیشتر دیده‌شدن عمل مجرمانه قابل انجام است و به واسطه اصول (CPTED) پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی محقق خواهد شد، یعنی زمانی که طراحی مکان‌ها، معابر و خیابان‌ها مناسب‌تر شوند، مناطق مختلف با مواجه با جرائم خطرناک، از جمله سرقت‌های خیابانی و تروریسم آدم‌ربایی می‌تواند از طریق اعمال اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در برابر تهدیدات این‌گونه جرائم امن‌تر شوند. برمبنای اصول پیشگیری وضعی در دیدگاه طراحی محیط شهری، روشنایی کافی برای مردم لازم است تا دیده شوند و پدیده‌های اجتماعی نیز راحت‌تر قابل مشاهده باشند (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸). این موضوع از منظر امنیتی، باعث ایجاد ترس و نگرانی در میان مجرمان می‌شود و تمایل آنان را به انجام عمل مجرمانه در آن محیط کاهش می‌دهد. در این زمینه، حتی مطرح شده است که سطح اساسی روشنایی باید به‌نحوی باشد که چهره افراد در فاصله حدود ۱۰ متری National Crime Prevention Council, 2003: 360 در یک دید معمولی قابل شناسایی باشد (National Crime Prevention Council, 2003: 360) روشنایی بیشتر، اطمینان خاطر بیشتری برای سایر شهروندان ایجاد می‌کند و آن‌ها به صورت فعالانه در خیابان‌ها حضور دارند و از «خلوت‌بودن» به عنوان یکی از زمینه‌های بروز جرم جلوگیری می‌کنند، زیرا مجرمان در شرایطی که فضا را خلوت ببینند، تمایل بیشتری به انجام عمل بزه‌کارانه پیدا می‌کنند.

### ۳-۵- کنترل معابر مناطق مسکونی

بخش دیگری از نظریه طراحی شهری برمبنای محیطی است که خانه‌ها در آنجا بنا شده است. این موضوع در ارتباط با کیفیت مسکن ساخته شده و محله‌ای است که خانه در آنجا

امنیت‌مدار، به دلیل حساسیت بالایی که برای تأمین امنیت وجود دارد، بهره‌مندی از روش‌های کنترل محیطی برای کاهش اعمال مجرمانه مورد توجه است و با تقدم‌دادن امنیت بر زندگی خصوصی شهروندان، به دنبال ایجاد سازوکاری پیشگیرانه است. به همین دلیل، بهره‌گیری از وسایل و ابزارهایی که بتواند نظارت بر اماکن و معابر عمومی را افزایش داده و منجر به شفافیت بیشتر شود، راهکاری پیشگیرانه محسوب می‌شود، زیرا در معابر عمومی، شناسایی افراد و روئیت‌پذیری موجب امنیت خاطر بیشتر شهروندان می‌شود (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۸)، بدین معنا که در معابر عمومی و محیط‌هایی که تحت نظارت بیشتر قرار می‌گیرند، ترس از بازداشت و شناسایی اعمال مجرمانه افزایش پیدا کرده و زمینه برای انجام بزه‌کار و جرم کاهش می‌یابد.

کنترل دسترسی یکی از مفاهیم اصلی در طراحی محیط شهری می‌باشد که بر کاهش فرصت‌های مجرمانه متمرکز است که اصولاً برای کاهش قابلیت دسترسی انجام جرائم کاربرد دارد. بالا بردن افزایش دستگیری و نه شیوه‌های طبیعی یا غیررسمی مثل (تعريف فضا) رسمی یا سازمان یافته (مانند استخدام نگهبان) و مکانیکی (مانند قفل‌ها و آیفون‌های تصویری) می‌باشد. تحقیقات نشان داده که مناطقی که دارای ورودی‌ها و دسترسی نامنظم و بی‌قاعده می‌باشند، نسبت به مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدود هستند، جرائم بیشتر را تجربه می‌کنند (Brantingham & Brantingham, 1975: 20). بنابراین اصل کنترل معابر (کنترل دسترسی)، هم به عنوان نوعی محدودیت بر سر راه مجرمان و بزه‌کاران محسوب می‌شود که می‌تواند نقش پیشگیرانه مؤثری در گرایش به اعمال مجرمانه داشته باشد.

**۴-۵- طراحی پارک‌ها بر مبنای ایده فضاهای قابل دفاع**  
پارک‌ها، از جمله مهم‌ترین مکان‌های تفریحی هر شهری هستند که نیازمند امنیت بالا و محیطی امن برای گذراندن اوقات فراغت شهروندان هستند. طراحی محیط شهری در موضوع پارک‌ها می‌بایست به نحوی باشد که امکان دیده‌شدن و دیدن در آن‌ها بسیار بالا باشد تا زمینه کمتری برای اعمال مجرمانه در آنان وجود داشته باشد (Schweitzer et al, ۲۰۱۳: ۸۵).

دیده‌بانی می‌پردازد تا بتواند مردم را قانع گرداند که به امنیت شهر و نداشتن توجه کافی دارد. بنابراین دولت در رویکرد امنیت‌مدار، با نگاهی فراگیر و همه‌جانبه، به پدیده‌های عادی، همه‌چیز را تحت نظارت و مدیریت خود قرار می‌دهد (Rose, 2002: 185).

یکی دیگر از موضوعات اثربار در پیشگیری وضعی، اصل کنترل معابر عمومی و یا محله‌هایی است که توانایی ارتکاب جرم در آنان بسیار بالا است. به این معنا که مناطق و محله‌هایی که دارای ورودی و دسترسی نامنظم و بی‌قاعده هستند، در مقایسه با مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدود هستند، جرایم بیشتری را تجربه می‌کنند (Brantingham & Brantingham, 1975: 20) این شیوه از طراحی مبتنی بر دورساختن محیط‌ها از احتمالاتی است که می‌تواند منجر به بزه‌کاری و جرم شود. به عنوان مثال، یکی از فرضیات در این زمینه آن است که خانه‌هایی که در ابتدای ورودی‌های محله‌ها قرار دارند، امکان سرقت بیشتری نسبت به سایر خانه‌های احداث شده در آن محل از آنان وجود دارد یا این که استدلال شده است که اگر ساختمانی بیش از یک درب داشته باشد، امکان ایجاد جرم در اطراف و داخل آن توسط مجرمان بیشتر است، زیرا افراد غریبه امکان دسترسی بیشتری به ساختمان دارند و کار نظارت بر ورودی‌ها دشوارتر می‌شود. بنابراین ساکنان، دسترسی کاملی به تمام درب‌ها نداشته و متوجه ورود و خروج افراد نیستند (اشنايدر و چیکین، ۱۳۸۷: ۵۶). در این صورت، عدم نظارت محیطی، زمینه‌ای برای بروز جرایمی نظیر سرقت، تخریب اموال و یا تهدید ساکنان آن محل خواهد شد.

اما ممکن است روش‌های پیشگیرانه‌ای نظیر کنترل معابر برای کاهش جرم، در تعارض با اصل حفظ حریم خصوصی افراد باشد. به عنوان مثال، ممکن است شهروندان عادی و نه بزه‌کاران و مجرمان، این شیوه از کنترل را در تعارض با حفظ حریم خصوصی خود تلقی نمایند. همچنانکه در اغلب نظامهای حقوقی، مداخله در زندگی افراد اعم از استفاده از ابزارهای فیزیکی و یا وسایل نشر اطلاعات عملی ناصحیح است (نمکدوست تهرانی، ۱۳۸۵: ۲۰۱)، اما در نظام حقوقی

به عنوان محور نظریه پیشگیری وضعی قابل بیان است، تلاش برای جذابیت‌زدایی از جرم، افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم، کاهش سود آن، شناسایی مجرمان در نزد عموم مردم و همچنین بهره‌مندی از روش‌های جدید تکنولوژیکی و الکترونیکی برای رصد محله‌ها و محیط شهری است، بدین‌ترتیب پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیط شهری، با نظریه نظام حقوقی امنیت‌مدار پیوند می‌خورد، بدین‌معنا که برای تحقق امنیت بیشتر شهروندان، نیازمند رصد مؤثر و فراگیر و استفاده از روش‌هایی هستیم که پارک‌ها، معابر عمومی، مکان‌های عمومی و پرتردد، محله‌های مسکونی و ... تحت کنترل مستقیم و غیرمستقیم نظام حقوقی درآورده شوند. در این صورت، گرایش مجرمان به عمل مجرمانه کاهش یافته و زمینه برای بهبود زندگی سایر افراد جامعه نیز فراهم می‌شود.

برمبانی نتایج پژوهش حاضر، پیشنهادات زیر می‌توانند کاربرد نظریه پیشگیری وضعی برمبانی طراحی محیط شهری را به ما نشان دهند: ورودی و خروجی ساختمان‌ها باید از خیابان قابل رویت باشد. از نور کافی برای جلوگیری از فعالیت مزاحمان استفاده شود. خانه‌ها و آپارتمان‌ها و متعلقات آن مثل پارکینگ‌ها، فضاهای ورزشی در وضعیتی باشند که امکان نظارت بر آن‌ها آسان باشد. درب‌های خروجی باید محکم و دارای هسته فلزی باشند. دیوارهای ساختمان‌ها نباید نفوذپذیر باشند و حتی‌المقدور از اجسام سخت محکم در احداث آن‌ها استفاده شود. امکان رویت‌پذیری ساختمان‌ها تا جایی که اخلاق اسلامی اجازه می‌دهد، قابلیت رویت‌پذیری داشته باشند. برای درب‌ها از شیشه‌های رفلکس و دوجداره استفاده شود تا از داخل منزل امکان رویت‌پذیری به سهولت انجام پذیرفت و از بیرون داخل ساختمان غیرقابل رویت باشد. تمام سکونتگاه‌ها باید دارای قفل‌های ایمنی و درب آپارتمان‌ها چشمی داشته باشد. محل بازی کودکان از پنجره‌ها به آسانی قابل دید باشد. خیابان‌ها باید دارای عرض کافی برای گشتزنی پلیس باشد. محل بازی کودکان باید به گونه‌ای باشد که بتوان به راحتی بازی آن‌ها را مشاهده کرد. محل پارک خودروی ساکنان در بیرون از خانه باید در جایی باشد که بتوان از درون خانه، خودرو را دید. فضای بدون کاربری و خالی از سکنه را

11: 1999). این بدان معنا نیست که در طراحی پارک‌ها، حصاری بلند در اطراف آنان کشیده شود، بلکه با تعییه دوربین در شبانه‌روز، استفاده از نگهبانی‌های هوشمند انسانی و غیرانسانی و همچنین نصب دوربین در نقاط کور پارک‌ها بتوان زمینه را برای انجام عمل بزه کارانه و مجرمانه به حداقل رساند. هنگامی که طراحی شهری در زمینه پارک‌ها مبتنی بر شفافیت (دیدن و دیده‌شدن) هرچه بیشتر باشد، توان و پتانسیل پارک، برای انجام عمل مجرمانه در آن کم می‌شود. این ایده به صورت آشکار، جذابیت جرم را در نزد بزه کار کاهش داده و هزینه‌های ناشی از انجام آن عمل مجرمانه را افزایش می‌دهد، به علاوه این‌که، با بهره‌گیری از روش‌های نظارت و کنترل بر محیط پارک‌ها، می‌توان محیط را تحت کنترل ساکنان آن درآورد (Newman, 1973: 31)، بدین‌معنا که شهروندان و بهره‌وران پارک‌ها، بدون این که نیازی به مداخله حضوری پلیس و یا عوامل انتظامی شهرها داشته باشند، ابزارهای قوی و کارآمدی را جهت برقراری امنیت مشاهده کرده و از آنان بهره می‌برند. همچنانکه تعییه ابزارهای الکترونیکی و انسانی برای نظارت کامل بر محیط پارک، نوعی مصون‌سازی محیط برای شهروندان، دشوارکردن انجام عمل مجرمانه و افزایش ردیابی مجرمان را فراهم می‌سازد.

### نتیجه‌گیری

مزیتی که نظریه پیشگیری وضعی دارد و از طریق طراحی محیط شهری قابل حصول است، حرکت به سمت آشکارسازی مجرم و عمل مجرمانه است، بدین‌معنا که اعمال مجرمانه به‌طور قابل توجهی در محیط‌های رخ می‌دهند که نظارت محسوسی بر آنان وجود ندارد. این نظریه در تقابل با ایده‌ای قرار می‌گیرد که مجرم را به عنوان بیمار در نظر می‌گیرد و با این استدلال که نباید برچسب بخورد، او را در جامعه به حال خود گذاشته تا درمان شود و روش بهنجاری پیشه کند. ایده پیشگیری وضعی به‌طور قابل توجهی، امنیت را بالرزش‌تر از آزادی می‌داند و برای آنکه بتواند امنیت و مصونیت را برای شهروندان به ارمغان بیاورد، خواهان نظارت و کنترل بیشتر بر زندگی شهروندان می‌شود که البته هدف اصلی آن، بالا بردن هزینه‌های ناشی از ارتکاب عمل مجرمانه است. بنابراین آنچه

- بابایی، محمدعلی و نجیبیان، علی (۱۳۹۰). «چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۵: ۱۴۷-۱۷۲.
- پاکنژاد، نوید (۱۳۹۳). «برنامه‌ریزی فضاهای امن شهری با رویکرد CPTED (نمونه موردی محله آبک گلابدربه واقع در منطقه یک شهرداری تهران)». *نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر*، ۴۷(۴): ۵۸-۶۹.
- توجهی، عبدالعلی و برنجی اردستانی، مرجان (۱۳۹۱). «بررسی جایگاه امنیت‌گرایی در سیاست کیفری ایران و امریکا». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۱(۲): ۶۷-۹۱.
- جیسون، سوزان و ویلسون، پل (۱۳۸۷). *طراحی محیطی جرم‌ستیز*. ترجمه محسن کلانتری و ابوذر سلامی، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- خلق‌دوست، روزبه؛ زمانی مقدم، افسانه و شمس‌آبادی، سیده‌طناز (۱۳۹۲). «رابطه سازمان فضایی و نفوذپذیری شهر با میزان امنیت اجتماعی از نظر شهروندان براساس مدل CPTED، مطالعه موردی شهر کرج». *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، ۵(۳): ۵۱-۶۰.
- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴). «فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی؛ مجله شهرداری‌ها». *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۳: ۳۵-۴۲.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). *ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری / من*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
- صفاری، علی و صابری، راضیه (۱۳۹۳). «ضوابط حقوقی جرم‌شناختی پیشگیری وضعی از جرم». *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۱(۸): ۱۴۵-۱۸۰.
- صوفی زمرد، محسن (۱۳۹۰). «نقض حریم خصوصی و چالش‌های پیشگیرانه فراوری پلیس در نظارت ویدئویی». *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۶(۲۱): ۳۹-۶۸.

راحت بتوان تعریف کرد. راههای قابل دسترسی را حتی المقدور مسدود کنیم. به دست‌اندکاران پیشگیری (معماران، انبوه‌سازان، پلیس و ...) آموزش‌های لازم داده شود. برای ساختمان‌ها شناسنامه قرار دهیم. از تابلوهای تبلیغاتی بالای پله‌ها جلوگیری کنیم. در تخصیص مکان‌ها به عمومی یا خصوصی از موانع نمادین یا واقعی استفاده شود. بر روی راه پله‌ها، آسانسورها اقداماتی لحاظ شود که امکان رؤیت از بیرون وجود داشته باشد. در ایستگاه‌های اتوبوس امکان نظارت را افزایش دهیم و از درهای آهنی که امکان رؤیت داخل ایستگاه را کاهش می‌دهد، خودداری کنیم، میله آهنی جایگزین شود. دوربین‌های پیشرفته ثابت و سیار در معابر عمومی، پارک‌ها، مجتمع‌های تجاری و رفاهی به کار گرفته شود تا هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم به طرز محسوسی بالاتر رود.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافعی بوده است.

**سهم نویسنده‌گان:** در این پژوهش، نویسنده اول به عنوان نویسنده اصلی و نویسنده بعدی به عنوان نویسنده مسؤول می‌باشند.

**تشکر و قدردانی:** لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

**تأمين اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

## منابع و مأخذ

### الف. منابع فارسی

- اشنایدر، ریچارد و کیچین، تد (۱۳۸۷).  *برنامه‌ریزی شهری برای پیشگیری از جرم*. ترجمه فرزان سجودی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.

- Clarke, R & Cornish, D (1985). *Crime Control in Britain: A Review of Policy Research*. Albany: State University of New York Press.
- Clarke, R (1995). *Situational Crime Prevention*. In: Michael Tonry and David P. Farrington [eds], Vol.19, Chicago: Building a Safer Society: Strategic Approaches to Crime Prevention, Crime and Justice.
- Irwin, J (1985). *The Jail: Managing The Underclass in American Society*. California: University of California Press.
- Newman, O (1973). *Defensible Spaces: People & Design in Violent City*. Princeton: Architectural Press.
- Rose, W (2002). "Crimes of Color: Risk, Profiling, and the Contemporary Racialization of Social Control". *International Journal of Politics, Culture and Society*, 16(2): 179-205.
- Schweitzer, J; Kim, J & Mackin, J (1999). "The Impact of the Built Environment on Crime and Fear of Crime in Urban Neighborhood". *Journal of Urban Technology*, 6(3): 59-73.
- ج. سایت**
- <https://www.ncpc.gov.sg> (National Crime Prevention Council).
- کلارک، رونالد (۱۳۸۷). «نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی». ترجمه محمدحسین جعفریان، فصلنامه مدیریت انتظامی، ۳(۳): ۳۴۴-۳۵۶.
- کلانتری، محسن و توکلی، مهدی (۱۳۸۶). «شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۲(۲): ۷۵-۱۰۰.
- کین هون، تین (۱۳۸۵). «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی تین کین هون». ترجمه علی سلطانی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱(۱): ۹۷-۱۵۰.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۳). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی. تهران: انتشارات میزان.
- مرصوصی، نفیسه؛ صفرعلیزاده، اسماعیل و حسینزاده، رباب (۱۳۹۳). «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از قواعد جرائم شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر اصفهان)». فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۵(۱۰): ۱۱۱-۱۲۴.
- میرجبی، علی؛ هادی‌تبار، اسماعیل و قدسی، سیدابراهیم (۱۴۰۰). «چالش‌های پیشگیری وضعی از فساد قضایی با تمرکز بر شفافیت و نظارت». فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۷(۶۲): ۲۷-۴۲.
- نمکدوست تهرانی، حسین (۱۳۸۵). «اخلاق حرفه‌ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات». مجله رسانه، ۱۷(۲): ۱۹۷-۲۳۲.
- والک لیت، ساندرا (۱۳۸۶). *شناخت جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- ویسی، میثم و فرهمند، مجتبی (۱۳۹۷). «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم». فصلنامه مطالعات علوم جتمانی، ۴(۳): ۸۷-۹۳.

**ب. منابع انگلیسی**

- Brantingham, P & Brantingham, P (1975). "Residential Burglary and Urban Form". *Urban Studies*, 12(3): 273-284.